

خشکانیدن ریشه‌ی فساد مالی: ماموریت دولت تدبیر و امید

محمد شریعتمداری

مقدمه

در ابتدا از سازمان‌دهندگان همایش سالانه‌ی پیش‌گیری از تقلب و سوء‌استفاده‌های مالی که امسال در چهارمین سال حیات خودش به طور ویژه به تدارکات و پیمان‌های بخش عمومی می‌پردازد و خبرگان و پژوهشگران را گرد هم آورده است تا تجربه و چشم‌انداز جدید و متفاوتی را به اشتراک بگذارند سپاسگزاری می‌کنم.

این گردهمایی از این جهت که درباره‌ی یکی از مسائل مهم تهدیدکننده‌ی توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی نظام یعنی فساد مالی و اقتصادی صحبت می‌کند، برای دولت تدبیر و امید نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

امیدوارم همایش امروز، شناخت بهتری از این پدیده‌ها که منافع ملی ما را تهدید می‌کنند در اختیار همگان قرار دهد. هر چه شناخت ما از این پدیده‌ها بیشتر باشد طبعاً ما می‌توانیم با آن‌ها بهتر مبارزه کنیم.

به اعتقاد این‌جانب هر طرح، پروژه، و برنامه‌ای که از تقلب و فساد تاثیر بپذیرد به اهداف کامل‌اش نخواهد رسید. فساد و تقلب تعدی به حقوق عمومی، دست‌درازی آشکار به پول مالیات‌پردازان و بیت‌المال و متعلقات همگان است که دولت امانت‌دار آنها است. بررسی‌ها نشان می‌دهند تقلب‌های تدارکات و ساخت و ساز که موضوعات بحث این همایش نیز هستند، از عمده‌ترین تقلب‌ها علیه منافع عمومی محسوب می‌شوند.

فساد مالی: معضل اصلی

مطالعات تقلب‌پژوهی نشان می‌دهند در میان



می‌توان با آن میزان فساد مالی را در بخش عمومی برآورد کرد. به‌کارگیری این روش‌شناسی‌ها به ما کمک می‌کند پی ببریم چه میزان از پول ملت ما در اثر فساد مالی تهدید می‌شود.

ضرورت دارد در دولت مطالعه‌ای را بر اساس روش‌شناسی‌های جدید انجام دهیم تا بتوانیم هزینه‌ی مستقیم فساد مالی را بشناسیم. به کمک این روش‌شناسی خواهیم توانست پروژه‌ها و عرصه‌هایی را شناسایی کنیم که از تقلب تاثیر می‌پذیرند. به علاوه، می‌توانیم از این راه میزان

تقلب‌های مالی معضل اصلی که بخش عمومی با آن دست و پنجه نرم می‌کند، فساد مالی است. فساد مالی را عموماً جزء جرائم سایه‌ای طبقه‌بندی می‌کنند و کارشناسان مثل همه‌ی جرائم سایه‌ای یکی از مسائل اصلی در راه مبارزه با آن را در حال حاضر فقدان ابزار لازم برای کمی‌کردن آن می‌دانند. به همین دلیل حتی نمی‌توانیم به درستی و با دقت میزان خسارتی را که از بابت این پدیده به اقتصاد و جامعه‌ی ما وارد می‌شود، ارزیابی کنیم. بعضی کشورها روش‌شناسی‌هایی را به خدمت گرفته‌اند که

خسارتی را که به مالیهی عمومی وارد می‌شود شناسایی کنیم. بدین ترتیب، می‌توانیم ارزیابی کلی از احتمال تقلب کلی و هزینه‌های فساد کلی در عرصه‌هایی مثل تدارکات و ساخت و ساز بخش‌های خاص و گروه‌های محصولات و خدمات دولتی را به دست آوریم و به تبع آن خودمان را برای پیش‌گیری، بازدارندگی، و کشف آن‌ها مجهز کنیم.

به نظر من، لازم است تا در یک فعالیت مشترک بین دولت و مراکز تحقیقاتی، چنین مطالعه‌ای به جدیت انجام شود. الان هم می‌توانیم بر اساس ضرایب بین‌المللی و شاخص ادراک فساد که سازمان‌های بین‌المللی مثل سازمان شفافیت جهانی برای ما تعیین کرده‌اند به برآوردی از کل تقلب و فساد مالی بخش عمومی دست یابیم.

پیش از آن که به چنین برآوردی توسط من یا دیگر سخن‌رانان اشاره شود لازم می‌دانم به دو موضوع بپردازم: (۱) ماهیت فساد مالی، و (۲) رتبه‌ی ایران به لحاظ فساد مالی در جهان.

ماهیت فساد مالی

در عرصه‌ی دولتی بعضا فساد مالی اعم است و تقلب اخص. ولی عموما فساد مالی را مثل شما حسابداران و حرفه‌ای‌ها به عنوان یکی از تقلب‌های سه‌گانه طبقه‌بندی می‌کنند. تقلب‌های سه‌گانه عبارت‌اند از: غضب دارایی، نادرست‌نمایی صورت‌های مالی، و فساد مالی. در این طبقه‌بندی سوءاستفاده‌ی مالی که موضوع این همایش است قرار نمی‌گیرد. دیگر جرائم اقتصادی مثل پول‌شویی نیز جزء تقلب‌های مالی محسوب نمی‌شوند.

چرا فساد مالی برای دولت‌ها مهم است؟ چون طبق آمارها در بخش دولتی عمده‌ترین تقلب‌ها مربوط به فساد مالی است؛ و سهم غضب دارایی‌ها و گزارشگری مالی کم‌تر است.

سازمان شفافیت جهانی فساد مالی را "عمل تقلب‌آمیز یا فریبکارانه با استفاده از قدرت برای کسب منافع شخصی به ویژه از راه رشوه" تعریف می‌کند. عمده‌ترین مصادیق فساد مالی عبارت‌اند از رشوه، باج‌خواهی یا زورگیری، تضاد منافع و هدایا و سپاسگزاری غیرقانونی. غیر از هدایا و سپاسگزاری‌ها

که آن‌ها هم ثبت نمی‌شوند، بقیه‌ی مصادیق فساد مالی ماهیتا سایه‌ای هستند و در صورت‌های مالی نیز مستقیما نمود ندارند. بعضی فاسدان وقتی پای‌شان به دادگاه می‌رسد ادعا می‌کنند رشوه یا دیگر مصادیق فساد مالی هیچ تاثیری بر صورت‌های مالی و بودجه‌ی عمومی ندارند؛ بنابراین، ما مرتکب جرمی نشده‌ایم! این تصویری بسیار غلط است.

فساد مالی پرداختی خیرخواهانه یا نذری نیست. فاسدان مالی چند برابر پرداخت‌های غیر قانونی خود را با تقلب‌های دیگر به ویژه تقلب‌های تدارکات و ساخت و ساز و دیگر تقلب‌ها که موضوع بحث این همایش هستند جبران می‌کنند و هزینه‌های بسیار سنگین‌تری را به طرح‌ها و اساسا مخارج عمومی تحمیل می‌کنند. بنابراین فساد مالی باعث گران‌شدن طرح‌ها و اساسا مصرف‌مقلبانه‌ی بودجه‌ی بیت‌المال می‌شود. پول‌هایی که باید خرج دیگر نیازهای ملت شود به یغما می‌رود و مانع توسعه و پیشرفت کشور می‌شود.

فساد را هم‌چنین می‌توان به خورد و کلان، سیاسی، اداری، و شرکتی، و سامان‌مند تقسیم کرد. بررسی‌های اولیه نشان می‌دهند همه‌ی این فسادها در بخش عمومی رایج هستند. در این میان سخت‌ترین و ماندگارترین فسادها، فسادهای اداری و سامان‌مند هستند. اولی به فساد همه‌گیر در سطح سازمان‌های دولتی و دومی به فساد همه‌گیر در سطح جامعه اطلاق می‌شود.

به نظر می‌رسد ما با یک فرهنگ و هنجارمآبی اجتماعی از فساد روبه‌رو هستیم. نه تنها مالیات‌گریزی و دولت‌گریزی به یک هنجار دیرین تبدیل شده است؛ که رشوه‌خواهی نیز به طور سامان‌مند در اثر هم‌نشینی و توسعه‌ی سازمان‌ها آموزش داده می‌شود.

رتبه‌ی فساد مالی

طبق آخرین آمارهای جهانی شاخص ادراک فساد، ایران در بین ۱۷۷ کشور جهان در رتبه‌ی ۱۴۴ قرار دارد؛ و نمره‌ی فساد ایران ۲۵ از ۱۰۰ است. فقط ۳۳ کشور - که عمدتا فقیر، جنگ‌زده، بحران‌زده، کوچک، و ضعیف هستند - رتبه‌ی

بدتری از ما دارند. رتبه‌ی فساد ایران در دولت‌های نهم و دهم وخیم‌تر شده است. از ۱۳۸۴ که آغاز کار دولت نهم است تا ۱۳۹۲ که پایان کار دولت دهم است، رتبه‌ی ما از ۸۸ به ۱۴۴ کاهش یافته است. فقط ۱۱ رتبه از ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۲ کاهش داشته‌ایم. یعنی از رتبه‌ی ۱۳۳ به ۱۴۴ تنزل کرده‌ایم.

چه این آمارها را قبول داشته باشیم چه نداشته باشیم، برداشت جهانیان از شاخص فساد ما در جهان اسفبار است و نشان می‌دهد باید برای کاهش آن به سطح ۱۳۸۴ و حتی بهتر از آن دست به جهادی ملی و همگانی علیه فساد و فاسدان بزنیم.

ما به کمک این آمارهای جهانی و نیز با استفاده از تجربه‌ی کشورهای که در راه مبارزه با فساد دولتی پیشگام هستند می‌توانیم میزان فساد مالی در کشورمان را برآورد و برای کاهش آن اقدام کنیم.

اندازه‌ی فساد

کمی‌کردن اندازه‌ی فساد مالی به خاطر ماهیت سایه‌ای آن یکی از کارهای دشوار برای دولت‌ها است. با این وجود، می‌توان بر اساس تجارب به‌دست‌آمده و رتبه‌ی شاخص ادراک فساد به یک برآوردی دست یافت.

فساد مالی کشورهای هم‌تای ما را بین ۱۵ تا ۲۵ درصد بودجه‌ی عمومی برآورد می‌کنند. سهم تدارکات و ساخت و ساز از بودجه‌ی عمومی دولت‌ها در حدود ۸۰ تا ۸۵ درصد است. بر این اساس، برآورد می‌شود بین ۱۲ تا ۲۱ درصد بودجه‌ی دولت از فساد مالی آسیب ببیند. این اندازه از فساد نشان می‌دهد که با فساد سامان‌مند در عرصه‌ی بیش‌تر سازمان‌ها روبه‌رو هستیم.

اقدامات نظام

اقدامات رسمی نظام جمهوری اسلامی ایران از ۱۰ اردیبهشت ۱۳۸۰ با فرمان مقام معظم رهبری در خصوص تشکیل ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی و مالی آغاز شد. سپس، در ۲۲ بهمن ۱۳۸۳ آیین‌نامه‌ی پیش‌گیری و مبارزه با رشوه در دستگاه‌های اجرایی به تصویب رسید. قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مبارزه با فساد در ۱۳۹۰ تصویب شد و از ۱۳۹۱ به

سازمان شفافیت جهانی فساد مالی را "عمل تقلب آمیز یا فریبکارانه با استفاده از قدرت برای کسب منافع شخصی به ویژه از راه رشوه" تعریف می کند. عمده ترین مصادیق فساد مالی عبارتند از رشوه، باج خواهی یا زورگیری، تضاد منافع و هدایا و سپاسگزاری غیرقانونی.

اجرا گذارده باشد.

این سه سند را می توان مهم ترین اسناد ضدفساد و ضدتقلب کشورمان بدانیم. قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مبارزه با فساد ظرفیت لازم را برای پیش گیری، بازدارندگی، و کشف هر گونه فساد مالی تدارک دیده است. هم اینک این قانون مبنای کار ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی است. ریاست این ستاد به عهده ی برادر بزرگوارم، معاون اول رئیس جمهور، جناب آقای دکتر اسحاق جهانگیری است. در ادامه، بخش هایی از فرمان هشت ماده ای مقام معظم رهبری در خصوص مبارزه با مفاسد اقتصادی را می خوانم:

"خشکانیدن ریشه ی فساد مالی و اقتصادی و عمل قاطع و گره گشا در این باره مستلزم اقدام همه جانبه به وسیله ی قوای سه گانه مخصوصاً دو قوه ی مجریه و قضاییه است. قوه ی مجریه با نظارتی سازمان یافته و بی اغماض از بروز و رشد فساد مالی در دستگاه ها پیش گیری کند و قوه ی قضاییه با استفاده از کارشناسان و قضات قاطع و پاکدامن مجرم و خائن و عناصر آلوده را از سر راه تعالی کشور بردارد. بدیهی است که نقش قوه ی مقننه در وضع قوانین که موجب تسهیل راه کارهای قانونی است و نیز در ایفاء وظیفه ی نظارت بسیار مهم و کار ساز است. لازم است نکاتی را به حضرات آقایان و دیگر دست اندرکاران کشور که می توانند در مبارزه با فساد نقش ایفا کنند تذکر دهیم:

۱- با آغاز مبارزه ی جدی با فساد اقتصادی و

مالی یقیناً زمزمه ها و به تدریج فریادها و نعره های مخالفت با آن بلند خواهد شد. این مخالفت ها عمدتاً از سوی کسانی خواهد بود که از این اقدام بزرگ متضرر می شوند و طبیعی است بددلانی که با سعادت ملت و کشور مخالفانند یا ساده دلانی که از لقایات آنان تاثیر پذیرفته اند با آنان هم صدا شوند. این مخالفت ها نباید در عزم راسخ شما تردید بیفکنند! به مسئولان خیرخواه در قوای سه گانه بیاموزید که تسامح در مبارزه با فساد به نوعی هم دستی با فاسدان و مفسدان است. اعتماد عمومی به دستگاه ها در برخورد با مجرم و متخلف قاطعیت و عدم تزلزل خود را نشان دهد.

۲- ممکن است کسانی به خطا تصور کنند مبارزه با مفسدان و سوءاستفاده کنندگان از ثروت های ملی موجب ناامنی اقتصادی و فرار سرمایه ها است. به این اشخاص تفهیم کنند، به عکس، این مبارزه موجب امنیت فضای اقتصادی و اطمینان کسانی است که می خواهند فعالیت سالم اقتصادی داشته باشند. تولیدکنندگان این کشور خود نخستین قربانیان فساد مالی و اقتصاد ناسالم اند.

۳- کار مبارزه با فساد را چه در دولت و چه در قوه ی قضاییه به افراد مطمئن و برخوردار از سلامت و امانت بسپارید. دستی که می خواهد با ناپاکی در بیفتد باید خود پاک باشد و کسانی که می خواهند در راه اصلاح عمل کنند باید خود برخوردار از صلاح باشند.

۴- ضربه ی عدالت باید قاطع ولی در عین حال

دقیق و ظریف باشد. متهم کردن بی گناهان یا معامله ی یکسان میان خیانت و اشتباه یا یکسان گرفتن گناهان کوچک با گناهان بزرگ جایز نیست. مدیران درستکار و صالح و خدمتگزار که بی گمان اکثریت کارگزاران در قوای سه گانه کشور را تشکیل می دهند نباید مورد سوءظن و در معرض اهانت قرار گیرند یا احساس ناامنی کنند. چه نیکو است که تشویق صالحان و خدمتگزاران نیز در کنار مقابله با فساد و مفسد وظیفه های مهم شناخته شود.

۵- بخش های مختلف نظارتی در سه قوه از قبیل سازمان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات کشور، و وزارت اطلاعات باید با همکاری صمیمانه نقاط دچار آسیب در گردش مالی و اقتصادی کشور را به درستی شناسایی کنند و محاکم قضایی و نیز مسئولان آسیب زدایی در هر مورد را یاری رسانند.

۶- وزارت اطلاعات موظف است در چارچوب وظایف قانونی خود نقاط آسیب پذیر در فعالیت های اقتصادی دولتی کلان مانند معاملات و قراردادهای خارجی و سرمایه گذاری های بزرگ طرح های ملی و نیز مراکز مهم تصمیم گیری اقتصادی و پولی کشور را پوشش اطلاعاتی دهد و به دولت و دستگاه قضایی در تحقق سلامت اقتصادی یاری رساند و به طور منظم به رییس جمهور گزارش دهد.

۷- در امر مبارزه با فساد نباید هیچ تبعیضی دیده شود. هیچ کس و هیچ نهاد و دستگاهی نباید استثنا شود. هیچ شخص یا نهاد نمی تواند با عذر انتساب به این جانب یا دیگر مسئولان کشور خود را از حساب کشی معاف بشمارد. با فساد در هر جا و هر مسند باید برخورد یکسان صورت گیرد.

۸- با این امر مهم و حیاتی نباید به گونه ی شعاری تبلیغاتی و تظاهرگونه رفتار شود. به جای تبلیغات باید آثار و برکات عمل مشهود شود. به دست اندرکاران این مهم تاکید کنید که به جای پرداختن به ریشه ها و ام الفساده ها به سراغ ضعف و خطاهای کوچک نروند و نقاط اصلی را رها نکنند.

هرگونه اطلاع رسانی به افکار عمومی که البته در جای خود لازم است باید به دور از اظهارات نسنجیده و تبلیغات گونه باشد و حفظ آرامش و اطمینان افکار عمومی را در نظر داشته باشد. از خداوند متعال

اخلاص و جدیت و توفیق را برای خود و شما و همه‌ی مسئولان این امور مسالت می‌کنم و امیدوارم این اقدام مورد رضای حضرت بقیه‌الله الاعظم روحی فداه قرار گرفته و گام بلندی به سوی رفاه و آسایش عمومی را تدارک کند."

اخیرا رئیس جمهور و رئیس دولت تدبیر و امید در نامه‌ای به آقای دکتر جهانگیری و رئیس ستاد مبارزه با مفسد اقتصادی با تعیین ضرب‌الاجل یک ماهه رسماً وارد عرصه‌ی مبارزه با تقلب شد. آقای روحانی خطاب به معاون اول خود می‌فرمایند:

"از آن جا که مبارزه با مفسد اقتصادی لازمه‌ی پیشرفت و عدالت است و دولت تدبیر و امید برای خروج اقتصاد کشور از رکود و ایجاد رونق اقتصادی، تامین امنیت برای فعالیت سالم اقتصادی را در اولویت کار خود قرار داده است، مقتضی است اقدامات لازم برای شناسایی و مجازات کسانی که با تبانی و سوءاستفاده از امتیازات خاص، زمینه‌ی ویژه‌خواری و درآمدهای غیرموجه فراهم کرده‌اند در اولویت کار قرار گیرد. به ویژه، ضروری است موارد استفاده از شرایط تحریم مورد رسیدگی قرار گیرد و برای حراست از حقوق مردم و بیت‌المال اقدام فوری صورت پذیرد و گزارش مربوطه ظرف یک ماه به این جانب ارائه شود."

راهبرد ضدفساد مالی

بانک جهانی، فساد مالی را بزرگترین مانع توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی می‌داند و اعتقاد دارد پنج عنصر کلیدی می‌تواند راهبرد اثربخشی برای کوشش‌های ضدفساد مالی در هر کشوری باشند. در خاتمه‌ی بحث‌ام می‌خواهم به این پنج عنصر اشاره کنم که به نوعی راهبرد ضدفساد مالی دولت تدبیر و امید هم است و نشانه‌های آن را از آغاز تاکنون شاهد بودیم و در آینده نیز نتایج آن بیش از پیش به ثمر خواهد نشست.

این پنج عنصر عبارت‌اند از: (۱) افزایش حساب‌دهی سیاسی، (۲) تقویت مشارکت جوامع مدنی، (۳) ایجاد بخش خصوصی رقابتی، (۴) اعمال محدودیت‌های نهادینه بر قدرت، و (۵) بهبود مدیریت بخش عمومی. در ادامه به هر کدام به

اختصار می‌پردازم:

(۱) **افزایش حساب‌دهی سیاسی.** حساب‌دهی سیاسی به محدودیت‌هایی گفته می‌شود که سازمان‌های صاحب قدرت و نفوذ که مجری قانون هستند بر رفتار مقامات دولتی اعمال می‌کنند. بی‌تردید هر قدر حساب‌دهی سیاسی افزایش یابد، هزینه‌های مقامات بخش عمومی برای ارتکاب فساد یا اخذ تصمیمات به نفع شخصی‌شان و به هزینه‌ی ملت و بیت‌المال بالاتر می‌رود. بنابراین، حساب‌دهی سیاسی یک بازدارنده‌ی نیرومند علیه فساد مالی مقامات است. حساب‌دهی عمدتاً به اثربخشی اعمال قانون و ظرفیت نهادهای حساب‌دهی برای پایشگری اقدامات، تصمیمات، و علایق شخصی مقامات بخش عمومی متکی است. دولت تدبیر و امید خود را مکلف به افزایش حساب‌دهی سیاسی می‌داند و تلاش می‌کند با تقویت قدرت سازمان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات کشور، سازمان امور مالیاتی، و دیگر سازمان‌ها حساب‌دهی سیاسی را افزایش دهد. (طرحی که در مجمع تشخیص مصلحت نظام مطرح است).

(۲) **تقویت مشارکت جوامع مدنی.** در کنار یک سامانه‌ی راهبری خوب و نهادهای واسط بین حکومت و ملت، سازمان‌هایی که جامعه‌ی مدنی خوانده می‌شوند مثل گروه‌های شهروندی، نهادهای غیر دولتی، اتحادیه‌های بازرگانی، جوامع کسب و کار، دانشگاهیان، اندیشه‌ورزان، سازمان‌های مذهبی، و رسانه‌ها و دیگر سازمان‌های اجتماعی، می‌توانند نقش مهمی در محدودسازی فساد مالی و مبارزه با فساد مالی ایفا کنند. دولت تدبیر و امید از تاسیس جوامع مدنی ضدتقلب مثل گروه‌های شهروندی، گروه‌های پژوهشی، انجمن‌های حرفه‌ای، و دیگر سمن‌های ضدتقلب و ضدفساد مالی حمایت خواهد کرد.

(۳) **ایجاد بخش خصوصی رقابتی.** نفوذ نخبگان قدرتمند بر تصمیمات و سیاست‌گذاری حکومت، توسعه‌ی بخش خصوصی منصفانه، رقابت‌پذیر، درستکار و شفاف را محدود می‌کند. بنابراین، توسعه‌ی اقتصادی پاینده و فراگیر را به تأخیر می‌اندازد و پس می‌زند. نفوذ صاحبان سهم اقتصادی

قدرتمند برای تسخیر حکومت با اقدامات ویژه‌ای محدود و مهار می‌شود. این اقدامات عبارت‌اند از: (۱) آزادمنشی سیاسی اقتصادی، (۲) بالابردن رقابت‌پذیری، (۳) رفهرم و اصلاحات ضوابط و مقررات، (۴) راهبری سازمانی سالم و خوب، (۵) اعتلا و تشویق انجمن‌های کسب و کار و اتحادیه‌های تجاری، و (۶) تشکیل شرکت‌های سهامی بین‌المللی از طریق جهانی‌شدن. دولت تدبیر و امید در صدد است با سرعت بخشیدن به خصوصی‌سازی و فراهم کردن زمینه‌های پیوستن به سازمان تجارت جهانی و حمایت از کسب و کارهای کوچک از بخش خصوصی رقابت‌پذیر حمایت کند.

(۴) **اعمال محدودیت‌های نهادی بر قدرت.** طراحی نهادی حکومت می‌تواند ساز و کار مهمی برای کنترل فساد مالی باشد. اعمال محدودیت‌ها و قیود اثربخش توسط نهادهای حکومتی بر یکدیگر می‌تواند فرصت‌های سوءاستفاده از قدرت را کاهش دهد و در صورت وقوع سوءاستفاده‌گران را به مجازات برساند.

(۵) **بهبود مدیریت بخش عمومی.** پنجمین عنصر راهبرد ضدفساد مالی شامل بهسازی و اصلاح مدیریت داخلی منابع و اداره‌ی عمومی برای کاهش فرصت‌ها و مشوق‌های فساد مالی است. بهسازی مدیریت بخش عمومی و مالیه‌ی عمومی مستلزم انجام ۵ اقدام است: (۱) پرداخت مناسب بابت خدمات مدنی، (۲) ارتقای شفافیت و حساب‌دهی در مدیریت بودجه، (۳) ارتقای شفافیت و حساب‌دهی در مالیات و عوارض گمرکی، (۴) بهسازی و اصلاح سیاست‌ها در ارائه‌ی خدمات، (۵) تمرکززدایی همراه با حساب‌دهی. در این راستا، دولت تدبیر و امید باید برنامه‌های مفصلی را برای بهبود مدیریت مالی، بودجه‌گذاری، ارزیابی عملکرد، حسابداری، حسابرسی، نظارت، راهبری سازمانی، مالیات‌ستانی، گمرکات در پیش بگیرد.

این سخنرانی در روز نخست کنفرانس چهارمین سالانه‌ی پیش‌گیری از تقلب و سوءاستفاده‌های مالی که در روزهای ۱۸ و ۱۹ دی ۱۳۹۲ برگزار شد ایراد گردید.

دکتر محمد شریعتمداری: معاون اجرایی رئیس جمهوری اسلامی ایران